

ترنم ملکوت

مجموعہ شاعر

قدسیہ فیروز خان



انتشارات اہصار

سرشناسه: فیروزان، قدسیه، ۱۳۰۶-
عنوان و نام پدیدآور: ترنم ملکوت: مجموعه شعر / قدسیه فیروزان
مشخصات نشر: تهران: ابصار، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری: ۲۳۲ ص: ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۱۷۸-۱۶-۵
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا
موضوع: شعر فارسی -- قرن ۱۴
ردبندی‌کنگره: ۱۳۹۴ ت ۳۶ ی / PIR۸۳۵۶
رده‌بندی دیوینی: ۸۱۶/۶۲
شماره کتاب: ملی: ۴۱۱۵۶۹۶



انتشارات ابصار

ترنم ملکوت

مجموعه شعر

قدسیه فیروزان

قطع: رقعی - ۲۳۲ صفحه

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: یکم - ۱۳۹۴

قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۱۷۸-۱۶-۵

IBSN: 978-600-6178-16-5

انتشارات ابصار

۰۲۱ ۸۸۰۱۰۵۰۱

تلفکس:

۰۹۳۰۰۰۹۵۹۹۶

پیام کوتاه:

ABSAR.PUB@Gmail.com

رایانامه:

فهرست

۱۱	پیش‌گفتار
۱۳	مناجات
۱۴	لطف یار
۱۷	پیامبر (ص)
۱۸	تولد پیامبر (ص)
۱۸	میر فلک
۲۰	علت غایبی
۲۲	صیعت
۲۲	شور حرا
۲۴	در سوگ پیامبر
۲۷	سلام الله علیهم معصومین
۲۸	چکامه لولاک
۳۰	حضرت علی (ع)
۳۰	خلاصه امکان
۳۲	در گنج یزدانی

۳۴	صبر مظفر
۳۷	یگانه جامع اعداد
۳۹	میل طرب
۴۰	گلچین اجل
۴۲	شیر قربانی
۴۴	معدنات
۴۵	حضرت زهرا (س)
۴۵	هدیه خداوند
۴۷	خانه نو باران
۵۰	خیر کثیر
۵۳	لطف الهی
۵۴	امام حسن (ع)
۵۴	لؤلؤ لالا
۵۶	نیکی محض
۵۹	تحفه ملکوت
۶۰	امام صادق (ع)
۶۰	کمال جاویدن
۶۲	امام رضا (ع)
۶۲	وعده دیدار
۶۴	حرم قبله‌نما
۶۶	خیل امیدواران
۶۸	خاطره خوش
۷۰	از آرزوی دیدنت
۷۱	رگبار عشق
۷۳	دل سودائی
۷۵	برگه دیدار
۷۷	حرم امن

۷۸.....	حسرت فیض حضور
۷۹.....	امام زمان (عج)
۷۹.....	شعبه‌ای از فیض دل
۸۱.....	گم شده
۸۳.....	صبح امید
۸۵.....	راز ت
۸۷.....	تجربه شایسته
۹۰.....	غمی با عشق دورن‌ها
۹۱.....	وعده ی وصل
۹۳.....	سایه سار مهر
۹۵.....	آرزوی دیرینه
۹۶.....	شب تاریک
۹۷.....	امام حسین (ع) کربلا، عاشورا
۹۸.....	امام حسین (ع)
۹۸.....	تجلای ظهور
۱۰۰.....	امید باغبان
۱۰۲.....	افتخار
۱۰۳.....	محرم
۱۰۳.....	طلایه ماتم
۱۰۵.....	درد جانکه
۱۰۷.....	فرق دو بلبل
۱۰۹.....	آرزوی من
۱۱۱.....	سقای عشق
۱۱۴.....	ای فلک کج مدار
۱۱۶.....	کربلا
۱۱۶.....	شهر غم
۱۱۹.....	تاراج زمین

- ۱۲۱..... کهکشان نور خدا
- ۱۲۳..... رقابت خاک با افلاک
- ۱۲۴..... در مراجعت از کربلا
- ۱۲۵..... هنوز
- ۱۲۷..... حضرت زینب (س)
- ۱۲۷..... شانی از کوثر
- ۱۲۹..... جایند
- ۱۳۰..... حضرت اس (ع)
- ۱۳۰..... نغمه شیوا
- ۱۳۲..... حضرت علی (ع)
- ۱۳۲..... گفتگوی خورشید و ماه
- ۱۳۸..... گل فاطمی
- ۱۳۹..... مرثیه
- ۱۴۰..... حضرت علی اصغر (ع)
- ۱۴۰..... غلغله خاموش شد
- ۱۴۲..... غنچه پرپر
- ۱۴۳..... تیر و لبخند
- ۱۴۴..... غم و شرم آمیخته به هم
- ۱۴۵..... ز لوح عرش حق زیور فتاده
- ۱۴۷..... کهکشان در خون
- ۱۴۹..... دلهره فردا
- ۱۵۱..... غوغای عشق
- ۱۵۳..... به یاد تشنگان کربلا
- ۱۵۵..... در مسیر شام
- ۱۵۵..... کهکشان در خون
- ۱۵۷..... همسفر خواهر
- ۱۵۹..... شب و جستجوی کودکان

۱۶۱.....	جستجوی یتیم.....
۱۶۲.....	حضرت رقیه (س).....
۱۶۳.....	رقیه را خبر کنید.....
۱۶۴.....	بر آتشین نغمه.....
۱۶۶.....	اربیعین.....
۱۶۶.....	آیه و حجت.....
۱۶۸.....	آتش.....
۱۶۹.....	پیک، سبا.....
۱۷۱.....	نصایح.....
۱۷۲.....	نصایح.....
۱۷۲.....	چرا ذات یزدان ترا نرزد.....
۱۷۴.....	پیوند.....
۱۷۶.....	مخمور هوای دل.....
۱۷۷.....	ارج عمل.....
۱۷۸.....	آتش ظن.....
۱۸۰.....	شاخ زوال.....
۱۸۱.....	شکوه معنوی.....
۱۸۳.....	افسانه عمر بشر.....
۱۸۴.....	زبان.....
۱۸۶.....	منسوب به علی (ع).....
۱۸۸.....	از هلال تا بدر.....
۱۹۰.....	چه شتابان بگذشت.....
۱۹۲.....	بار امانت.....
۱۹۴.....	مرغ شباهنگ.....
۱۹۵.....	مناسک.....
۱۹۶.....	نماز.....
۱۹۶.....	گفتگو با جلال.....

۱۹۸.....	حج
۱۹۸.....	میهمانی دوست
۲۰۰.....	زینت بهشتی
۲۰۲.....	کلاس درس
۲۰۴.....	مهمان خانه عشق
۲۰۶.....	همان
۲۰۷.....	همانی عشق و خون
۲۰۹.....	صفا و مهربانی
۲۱۰.....	رمضان
۲۱۰.....	مهمانی جفا
۲۱۲.....	سلام و خدا حافظ ماه نیم
۲۱۴.....	دختران سفیدپوش هوا
۲۱۶.....	شور حیات
۲۱۷.....	رگبار تجلاً
۲۱۹.....	انقلاب اسلامی ایران، دفاع مقدس
۲۲۰.....	بهمن
۲۲۲.....	انقلاب قرآن
۲۲۶.....	بر تو گوارا باد
۲۲۹.....	یادمان
۲۳۰.....	در سوگ برادر
۲۳۰.....	چلچراغ شکسته
۲۳۲.....	برای سنگ قبر خودم

پیش‌گفتار

بی‌سوادى، در روزگارنى نه چندان دور، نخله ضاع را كسر شأن و مایه تحقیر كسى محسوب نمى‌شد. مردم، نیازی به مهارت خواندن و نوشتن نداشتند. تازه اگر باسواد هم بودند، مواد خواندنى، مثل كتاب و مجله و روزنامه و بررسور و راهنمای استفاده از این محصول و آن فن‌آورى، در اختیارشان نبود. فرهنگ، شفاهى و محلى و فطرى و قابل اعتماد. در آن سالها، پیش از آغاز روند عمومى شدن سواد و علم اما بودند انسان‌هایی كه باسوادى و دانایى را فضیلت و اصالت مى‌دانستند. سوادآموزى را نه به وسیله نیاز یا فخرفروشى و كسب مشاغل حساس فرا مى‌گرفتند؛ بلكه توانایى خواندن و نوشتن و نیل به دانایى را هدف خداوند از خلقت انسان (لیعبدون یا لیعرفون) و راه تعالى و توسعه معنوى و مادی خویش و خاندان خود مى‌دانستند و غایت انسان بودن. تمام هم و غم خود را برای تعلیم و تعلیم فرزندان خود به كار مى‌بستند و هیچ مانعى را برنمی‌تافتند. معلم و مربى خصوصى مى‌گرفتند تا مبدا زمان و انگیزه و اشتیاق فرزندانسان از دست برود. همچنین نزد این خاندان‌ها، خط زیبا، درست سخن گفتن، بیشتر خواندن، و به بهانه‌های گوناگون، نوشتن، فضیلت اساسى و مایه مباهات حقیقى و معیار برترى و شایسته جایزه و پاداش بود.

بانو قدسیه فیروزان، فرزند یکی از این خانواده‌ها است. خاندان فیروزان، همه درس‌خوانده و تعلیم‌دیده اند. او در سال ۱۳۰۶ در تهران متولد شد. پدرش مرحوم نورالله فیروزان، کارمند عالی‌رتبه و مورد اعتماد پست و تلگراف تلفن که در مواقع حساس از ایشان استفاده می‌شد، رئیس تلگرافخانه قصر دربار، و مادرش فخرالملوک، از شاهزادگان قاجار بود. همسر او، مرحوم شهید ابوالمعالی شهیدی، از خاندان‌های اصیل روحانی است که از دبیران برجسته تهران بود و چند ماهی پس از پیروزی انقلاب اسلامی به شهادت رسید.

و شعر می‌گوید و خوب شعر می‌گوید؛ اما پیشه‌اش شاعری نیست. در واقع همواره معلم کرد و استاد ارکار آموزش و پرورش بوده است؛ شاید ۶۰ سال. در طی این ۶۰ دهه، آموزگار و مدیر بوده؛ مؤسس و مدیر مدرسه بوده؛ مشاور و معاون و همکار و پشتیبان مدیران مدارس گوناگون بوده است. به زبان عربی مسلط است؛ و به موازات تعلیم دانش‌آموزان در نظام رسمی آموزش و پرورش، به تعلیم و تبیین آموزه‌های اسلام و معرفت و اخلاق الهی پرداخته است؛ مستمر و توأمان تا امروز. به بهانه کهنوت سن و بیماری قلبی و ضعف جسمی، از تعلیم و تعلم باز نایستاده است.

او فرزند پرورش‌یافته‌ای از همان خانواده‌های اصیل و فرهیخته و دانش‌پژوه ایران است. تسلط او بر دانش رسمی، علوم انسانی، شاعری و معلمی، کلام شیوا و ادبیات گفتاری، نیز خط زیبا و مهارت آموزگاری او شاهدات این حقیقت است.

دیوان شعری که در دستان شماس، سروده‌های لطیف و عشق‌غنی جوشیده از نهاد قدسیه فیروزان است. حاصل تکلف و چشم‌هم‌چشمی نیست. آمدنی است و نه آموختنی.

قدسیه فیروزان، شاعر مدیحه‌سرا یا مرثیه‌سرا نیست. شاعر علمی است که از مشاهدۀ تجلی انوار پیامبر و تابش فضایل و معارف خاندان او بی‌تاب شد. سعی کرده است درک و تجربۀ مشاهدۀ خود را صادقانه برای ما روایت کند. حال و هوای او هنگام خواندن اشعارش دیدنی است و اثری که بر مخاطب می‌گذارد، شاید عبادت هم باشد. شاید مهم‌ترین جوهر زندگی علمی و آموزشی و شاعری و خانوادگی او، صداقت و انسان‌دوستی و فداکاری بی‌محبا و حتی جانبازی او برای آموزش و اعتلای فردی و اجتماعی ما و فرزندان ما باشد.

خداوند یار و نگهدارش باد که ما را با گذشته خود پیوند می‌دهد و برای آینده مجهز می‌کند.